



مرزهای کشور تا مسیرهای پیاده‌روی عراق، امنیت درماتی زائران را تأمین کنند، به گفته رئیس جمعیت هلال احمر کشور، در مراسم بدرقه تیم‌های امدادی به کربلا امسال ۸ هزار و ۵۰۰ امدادگر تخصصی به همراه ۲۰۰ خودروی امدادی و ۱۵ بالگرد در عملیات اربعین حضور دارند. علاوه بر آن، ۲ هزار و ۲۰۰ مانگاه سیار، ۳۵ مانگاه پیش‌بیمارستانی و ۵ بیمارستان نیز در مسیر خدمت‌رسانی فعال خواهند بود.

۸۵۰۰ امدادگر آماده خدمت در اربعین
کاروان امسال هم مانند سال‌های گذشته فقط یک گروه امدادی نیست و پشت این کاروان فقط چند آمبولانس دیده نمی‌شود بلکه شبکه‌ای از هزاران امدادگر، پزشک، پرستار و داوطلب قرار دارد که مأمور نشان از مرزهای ایران آغاز می‌شود. این نیروهای تخصصی قرار است از

اصل و شرح

مردم جنگی- ازدواجی

آمار ازدواج در جنگ ۱۲ روزه بیشتر شد و در جنگ تحمیلی سوم هم کاهش خاصی نداشت

۳,۶۸۱
مورد
ازدواج‌های ثبت‌شده در ۲۴ خردادماه ۱۴۰۴
مقارن با عید غدیر خم (یک روز پس از شروع جنگ)



۵۵,۰۲۴
مورد
ازدواج‌های اول فروردین تا ۱۵ اردیبهشت سال ۱۴۰۴

۵۱,۴۷۴
مورد
ازدواج‌های اول فروردین تا ۱۵ اردیبهشت سال ۱۴۰۵ (۴ درصد کاهش)

محمد سربانی | روزنامه‌نگار | در جنگ‌های یک سال گذشته، عده زیادی از هموطنان به شهادت رسیدند. ساختمان‌هایی تخریب شد و سرمایه‌هایی از دست رفت، اما مردم ما در دشوارترین شرایط به زندگی ادامه دادند. در حالی که انتظار می‌رفت جامعه ایرانی زیر فشار جنگ به حفظ حیات و بقا بپردازد، ازدواج به صورت یک واکنش دفاعی در آمد و در مقابل تهدید جنگ ایستاد. بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت، وقوع ۲ جنگ در طول یک سال نتوانست آمار ازدواج را کاهش دهد. در جنگ ۱۲ روزه آمار ازدواج افزایش داشت و در جنگ تحمیلی سوم هم کاهش خاصی رخ نداد. یک کارشناس اجتماعی در گفت‌وگو با همشهری این پدیده را نوعی تاب‌آوری مردمی بیان می‌کند.

جامعه
امروز

قدرت تاب‌آوری اجتماعی

چرا مردمی که زیر بمباران هستند موضوعی مانند ازدواج را از برنامه زندگی خود کنار نمی‌گذارند؟ یک جمعیت‌شناس در این باره به همشهری می‌گوید: آمار ازدواج‌ها نشان‌دهنده افزایش تاب‌آوری اجتماعی است. این کشور بحران‌های مختلفی را پشت سر گذاشته و شاید همین اتفاقات تاب‌آوری مردم را القدر افزایش داده است که هر روز زندگی عادی خود را تغییر ندادند. محمود مشفق با اشاره به افزایش آمار ازدواج در جنگ ۱۲ روزه بیان می‌کند: مردم اعتناایی به جنگ نکردند و برنامه‌هایی را که برای زندگی خود داشتند ادامه دادند. باید بررسی شود که چه متغیرهای دیگری در افزایش یا ثابت ماندن آمار ازدواج تأثیر داشته است، اما به صورت کلی انتظار داریم که در دوره جنگ شاخصی‌های ازدواج و باروری در جامعه کاهش پیدا کند، چون زندگی روزمره تغییر می‌کند. با این حال دیدیم که چنین اتفاقی رخ نداد و حتی تعداد ازدواج‌ها بیشتر هم شد. عضوهای علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی درباره کاهش کلی آمار ازدواج در یک دهه اخیر نیز می‌گویند: بخشی از کاهش کلی آمار ازدواج در ۱۰ سال اخیر مربوط به شرایط اقتصادی است، اما تغییر نسل‌ها را هم نباید نادیده گرفت. بسیاری از کسانی که در معرض ازدواج قرار داشتند، وقتی یک نسل از نظر سنی دیگر در معرض ازدواج نباشد، میزان ازدواج‌های ثبت‌شده هم کاهش پیدا می‌کند.

تراکم ازدواج پیش از محرم

مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی منتشر کرده است که بر اساس آن میزان ازدواج در طول جنگ ۱۲ روزه از خرداد تا تیرماه سال ۱۴۰۴ به نسبت همان محدوده زمانی در سال ۱۴۰۳ بیش از ۲۰ درصد افزایش داشته است. از نظر تقویمی جنگ ۱۲ روزه دقیقاً در محدوده زمانی بیش از دهه محرم رخ داد. از قرن‌های قبل، ایرانیان با احترام به سنت‌های قدیمی و برای پاسداشت ایام عزاداری ایام‌الله (ع) پیوندهای ازدواج را پیش از ایام عزاداری محرم و صفر برگزار می‌کنند. همین باعث می‌شود که تراکم تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در روزهای بین عید غدیر و اول محرم افزایش پیدا کند. در سال ۱۴۰۴ همه این زمانبندی‌ها با حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی مواجه شد، اما حتی خطر حمله و جنگ هم برنامه‌ها را تغییر نداد و آمار ثبت ازدواج به نسبت همین محدوده زمانی در سال ۱۴۰۳ که شامل میانه ماه ذی‌الحجه بود، افزایش پیدا نکرد. در این دوره تنها ۳ استان تهران، کردستان و سیستان و بلوچستان با کاهش تعداد ازدواج‌ها روبه‌رو شدند.

حفظ ثبات در جنگ طولانی

اسفند ۱۴۰۴ ایران در شرایط تهدید جنگی از سوی آمریکا به سر می‌برد و حضور نیروهای نظامی دشمن در منطقه خبر از احتمال وقوع حمله می‌داد. در نخستین روزهای شروع جنگ، آمار ازدواج نزدیک ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد و در طول اسفندماه همچنان کمتر از مدت مشابه سال قبل بود. با طولانی شدن جنگ و شروع سال نو، شدت کاهش آمار متعادل شد و به ۵۰ درصد رسید. این مقدار کاهش با توجه به شرایط کلی کشور نظیر بحران اقتصادی فراگیر چندین محسوس نیست. می‌توان گفت که در جنگ تحمیلی سوم هم حملات دائمی نتوانست بر روند ازدواج در کشور تأثیر بگذارد.

سفریان نجات در مسیر عشق

قرار امدادگران با زائران در تمام جاده‌های اربعین

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار | هنوز زائران کوله‌هایشان را نپسته‌اند، اما آنها که قرار است اگر حادثه‌ای رخ نداد، نخستین نفر کنارشان باشند، راهی شده‌اند. صحبت از امدادگران و داوطلبان جمعیت هلال احمر است که هر سال قبل از شروع رسمی سفر اربعین به مسیرهای منتهی به مرزهای کشور در همسایگی عراق تا خود عراق اعزام می‌شوند. آنها امسال هم به رسم هر سال راهی میعادگاه‌ها شدند، آن هم بعد از تجدید میثاق با بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، خیاط مرقند امام خمینی (ره) صبح سه‌شنبه فقط محفل بدرقه چند هزار امدادگر نبود؛ قرار گاهی بود برای بدرقه مردان و زنانی که لباس سفید و سرخ هلال احمر را بر تن کرده‌اند تا پیش از رسیدن میلیون‌ها زائر به جاده‌های اربعین، خودشان را به خط مقدم خدمت برسانند.

سفری امن برای زائران

پرچم‌های سرخ و سفید هلال احمر در یاد تکان می‌خورد و خودروهای امدادی یکی یکی آماده حرکت می‌شوند. میسان جمعیت، امدادگری کوله‌اش را برای آخرین بار بررسی می‌کند، دیگری بار فقاییش گپوگفت می‌کند و چند نفر هم کنار آمبولانس‌ها عکس یادگاری می‌اندازند. برای خیلی از آنها این نخستین اربعین نیست؛ سال‌هاست که به‌جای آنکه زائر باشند، ناچی و باربگر زائرانند. امدادگران و داوطلبانی که خیلی‌هاشان حسرت زیارت حرمین در همین سفر اربعین به دلشان می‌ماند، اما پشت صحنه سفر اربعین امنیت و سفری ایمن را برای زائران مهیا می‌کنند. زائرانی که هر سال راهی اربعین می‌شوند، شاید فقط موبک‌ها را ببینند، اما خبر ندارند پشت این سفر، هزاران امدادگر شبانه‌روز آماده‌اند تا اگر حادثه‌ای رخ داد، فاصله میان خطر و نجات، فقط چند دقیقه باشد.

گزارش

صفحه ۱ از مهدی سلیمی



یاد مردم غزه در فینال جام جهانی

حمایت مردم و سیاستمداران اسپانیا از مردم فلسطین تبدیل به یک پیوند ناگسستنی شده است تا جایی که طرفداران تیم ملی اسپانیا در درخشان‌ترین لحظات فینال جام جهانی، یعنی درست آن دقیقه‌ای که قلب

استادیوم نماد و اهالی غزه نیز در میان خرابه‌های شهرشان، وقتی داور سوت پایان بازی را زد و اسپانیا قهرمان جام شد، شادی را فریاد زدند؛ درست مانند شادی برای موفقیت یک دوست قدیمی.

طرفداران این تیم از شادی فخرمانی جهان بر سینه می‌گویند، مردمان آزادی‌طلب شعار «فلسطین آزاد» سر دادند و پرچم فلسطین را در میان تماشاگران و زمین چمن گردانند. این شادی محدود به فضای

خیاطی با چشم‌های کاملاً بسته

درباره پیرمرد پاوه‌ای که نادیده، لباس می‌دوزد و هنرش سر زبان‌هاست



گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | کمی مانند تا آفتاب به شانه‌های کوه شاهو بنشینند و نور از بلندای آن به خانه‌های پلکانی پاوه بریزد. این درست همان وقتی است که کاک‌علی، پشت یقه (شال کمری بسته و پاشنه کفش‌اش را رو کشیده از خانه بیرون می‌رود. خیاط است و خیاط‌خانه‌اش ده‌کاهی کوچک و به رنگ سفید در خم یکی از خیابان‌های پررفت و آمد پاوه، نشانی ده‌کاش را هم همه می‌دانند؛ همه اهالی پاوه و دیگر روستاها و شهرهای دور و نزدیک. علی‌بدری، همان خیاط کهنه‌کار و نابینای کردی است که چند روز قبل از اوج گرفتن دیواره جنگ، تصاویر و ویدئوهای دست به‌تخ و سوزن شدنش در کنار دوخت و دوزهای حرفه‌ای‌اش در شبکه‌های اجتماعی حسابی چرخید. حالا اما خیاط معروف، گرفتار سالخورده‌گی ست و کمتر، توان دوزندگی دارد. با او و سعدی بدری (پسرش) از نابینایی، کوه شاهو، کیک و منتر چوبی گفتیم.

روزگار یک چشمی

سسن و سال زیاد، زورش را گرفته و حالا بیشتر از خیاطی، خانه‌نشینی می‌کند. کاک‌علی، این پاییز به گفته پسرش ۹۴ ساله می‌شود. بسیاری از این سال‌های عمرش، پشت چرخ خیاطی و به اندازه گیری، تیرش، کسوک و دوخت لباس مردانه کردی گذشته است. «چه روزایی... هم‌هم کار و تاریکی...» این را سال گذشته، وقتی به لنز دوربین یکی از اینفلوئنسرهای نام‌آشنا در حوزه سفر و گردشگری نگاه می‌کرد، گفته بود. منظور کاک‌علی از کار، خیاطی و از تاریکی نیز نابینایی بود. «نوراد سه چهار ماهه بودم که چشم راستم را عفونت قرمز شد. اون وقت پاوه مثل پاوه حالا نبود که دکتر و دوا، دمدست باشه، درم‌مون نسخه‌های قدیمی دالگ (مادر) و دایه‌ها بود. چشمم رو با دستمال بستن... اما خوب نشد و کم کم نورش رفت.» تمام کودکی کاک‌علی میان شیب کوه، کنار چشمه‌ها و لایه‌لای درختان بلوط اورامانات با همان یک چشم، سپری شد و خوش بود؛ صبح در باغ‌ها می‌گفت و عصرها بر قله کوهی، جای می‌خورد.



تاریکی بعد از شاهو و شکار کبک

آن قدر کوه شاهو را از دامنه، صخره و گردنه تا دره، مالرو، یال و قله دوست داشت که اگر خسته نبود و کسی سسرافش را می‌گرفت، می‌گفتند بر او یکی خانه‌اش یعنی شاهو کوه. این قصه را سعدی، هزار بار از پدر شنیده و خود نیز هزار و یک‌بار برای دیگری مثل دوست و آشنا تا خبرنگار و بلاگرا بازگو می‌کند و حالا هم به خبرنگار همشهری می‌گوید: «هنوز هم شاهو رو مثل کف‌دستش بلده. حتی جای خواب کبک‌ها رو هم می‌دونسه. جوان که بود کوهنوردی غیربومی زیادی رو تا قله راولی و ارتفاعات شاهو در محدوده پاوه می‌برد، شکار هم دوست داشت...»

جایی در مستند کوتاهی که دهه ۸۰ یک جوان از زندگی او با نام «کوری‌بنا» ساخته، گفته بود: «...چون نبودم و نادون... خدا از سر تقصیر و گناه برای شکار حیواناتی زبون‌بسته بگذرد...» قبضه تفنگ داشت؛ دولسول آلمانی کالیبر ۲ (یادگار پدرش و سامع‌های سرپر که از بازار مروان خریده بود.

امید عاشقانه شوکت خانم

۲ ماه بعد از آنکه با شوکت، دختری از روستای شمشیر حوالی اورامانات، ازدواج کرد آن حادثه رخ داد. داستان حادثه را سعدی تعریف می‌کند: «صبح رفت شاهو و ظهر روی قله‌اش بود. با سنگا همونجا کمینگاه در سست می‌کنه. به کبک رو از میون چند بال کبک وحشی نشونه می‌گیره... ششلیک می‌کنه اما گلوله به صخره کمونه می‌کنه و برمی‌گرده...» گلوله به چشم چپ و سالم کاک‌علی فرو می‌رود. او از آن لحظه، فقط درد، بوی خون و صدای کبک‌ها را به‌خاطر دارد. کمی که گذشت با چوب درخت بلوط برای خودش عصا درست کرد. یک سر عصا را جلوتر از قدم‌هایش، زمین می‌کوبید تا راه‌ها را پیدا کند؛ حیاط خانه، کوه شهید مسلمی، میدان بسیج، بازار پاوه، باغ‌های اورامانات، آبادی‌های اطراف و هر جای دیگری که با حال و هوایش را عوض می‌کرد و یا در آن خبری از کار و درآمد بود. مدتی در زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها کارگری کرد تا سفره خانه، خالی نماند. کاک‌علی، پادش نیست کی و بطور به فکر پیش‌پدری افتاد: «باوکم (پدرم) خیاط بود؛ خیاط کارکشته لباس‌ساز کردی. هر کسی نمی‌تونه رانک، پاتول، شروال و پیژامه کردی بدوزه...» فوت و فن خیاطی را ور دست پدرش آموخته بود: «چرا خیاطی نکنم؟!» اوایل هر کس می‌شنید، می‌گفت: ««پاوه شادی؟ بدون چشم مگه میشه منتر بگیر و قبیچی بزنی؟»

